

بے ساختہ

۳  
اُتولین

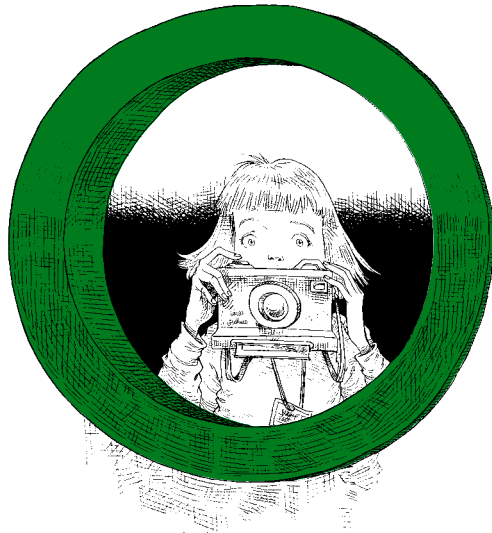
۹  
آقای مازوی گمشده

هوپا  
Hoopa

# آتولین

۹

آقای مانروی گم شده



نویسنده و تصویرگر: کریس ریدل

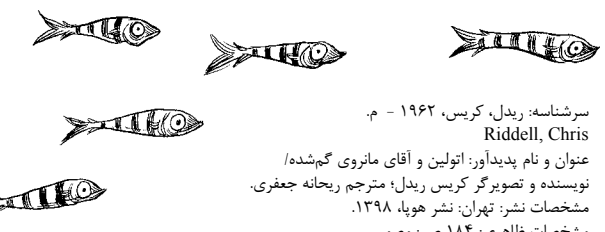
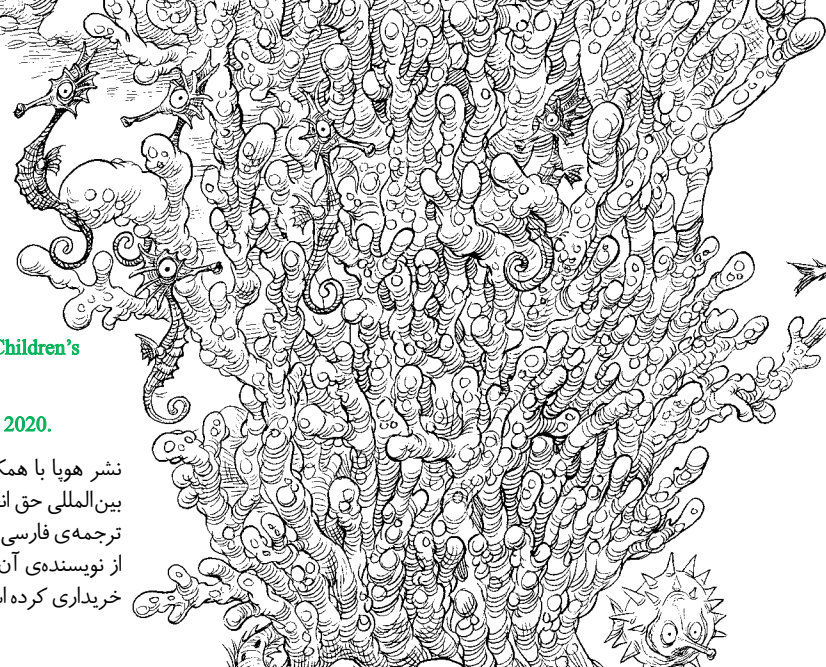
مترجم: ریحانه جعفری

**OTTOLINE AT SEA**  
**"First published 2008 by Macmillan Children's Books, an imprint of Pan Macmillan"**  
**Copyright © Chris Riddell 2008**  
**Persian Translation © Houpa Books, 2020.**

نشر هوپا با همکاری آژانس ادبی کیا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright)، امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از نویسنده‌ی آن، Chris Riddell، و ناشر آن، Macmillan، خریداری کرده است.

### رعایت «کپی‌رایت» یعنی چه؟

یعنی «نشر هوپا» از نویسنده‌ی کتاب، کریس ریدل، و ناشر خارجی آن، مک‌میلان، برای چاپ این کتاب به زبان فارسی در ایران و همه‌جای دنیا اجازه گرفته و بابت انتشارش، سهم نویسنده، یعنی صاحب واقعی کتاب را پرداخت کرده است. اگر هر ناشری غیر از هوپا، این کتاب را به زبان فارسی در ایران یا هر جای دنیا چاپ کند، بدون اجازه و رضایت کریس ریدل این کار را کرده است.



سرشناسه: ریدل، کریس، ۱۹۶۲ - م.  
 Riddell, Chris  
 عنوان و نام پدیدآور: اتولین و آقای مانروی گم‌شده/  
 نویسنده و تصویرگر کریس ریدل؛ مترجم ریحانه جعفری.  
 مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۸.  
 مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص: مصور.  
 فروست: اتولین؛ ۳.  
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۴۹-۶ دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۴۶-۵  
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
 یادداشت: عنوان اصلی: Ottoline at sea.  
 موضوع: داستان‌های کودکان (انگلیسی) -- قرن ۲۱م.  
 موضوع: Children's stories, English -- 21st century  
 شناسه افزوده: جعفری، ریحانه، ۱۳۴۱ - مترجم  
 رده بندی کنگره: PZV  
 رده بندی دیویی: ۸۲۳/۹۱۴  
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۵۷۷۱۰

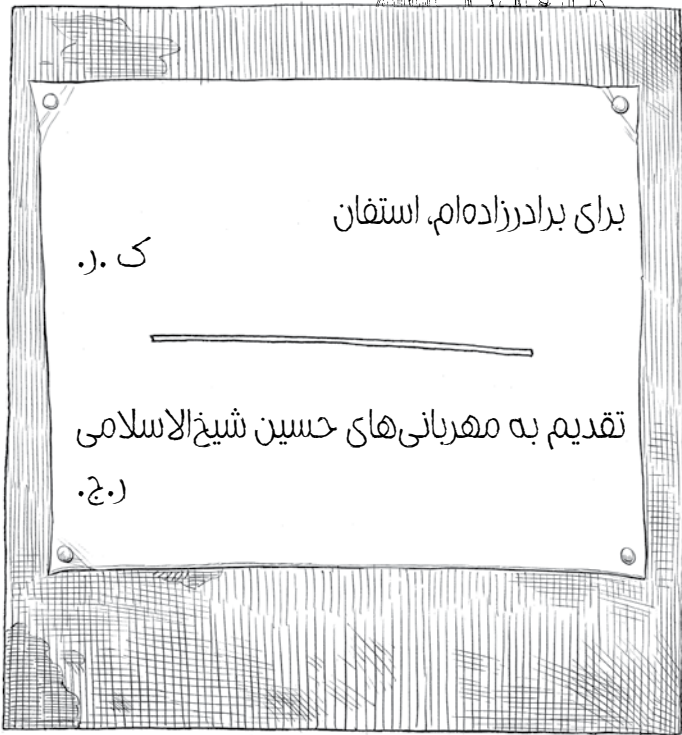
## اتولین و آقای مانروی گم‌شده

نویسنده و تصویرگر: کریس ریدل  
 مترجم: ریحانه جعفری  
 مدیر هنری: فرشاد رستمی  
 تایپوگرافی: مهدخت رضاخانی  
 طراح گرافیک: فائزه فغفور  
 لیتوگرافی، چاپ و صحافی: واژه‌پرداز اندیشه  
 چاپ اول: ۱۳۹۹  
 تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه  
 قیمت: ۳۴۰۰۰ تومان  
 شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۴۶-۵  
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۴۹-۶



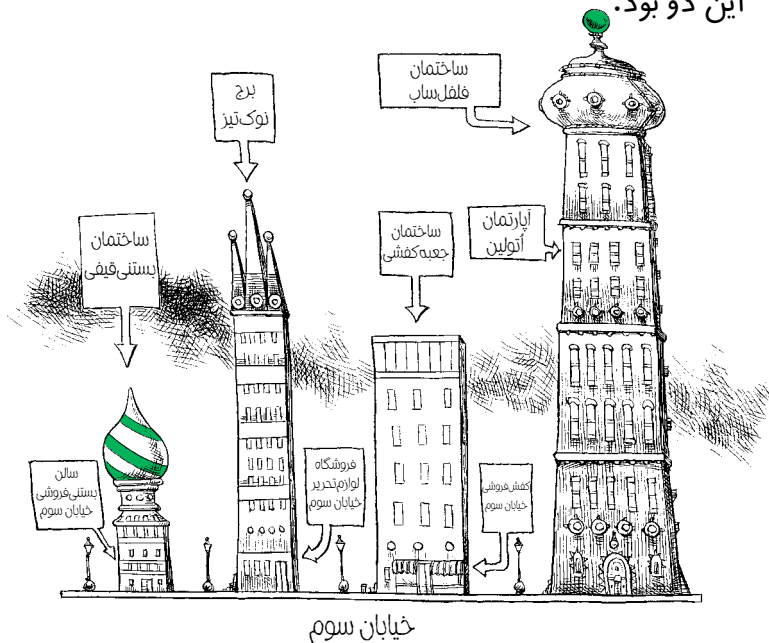
آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱  
 واحد دوم غربی، صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵، تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰  
 www.hoopa.ir info@hoopa.ir  
 ■ همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.  
 ■ هرگونه استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

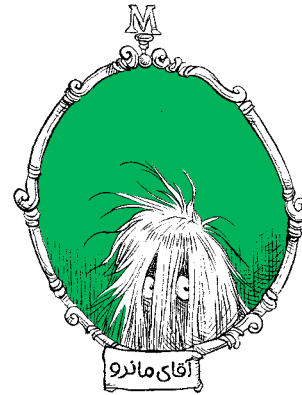
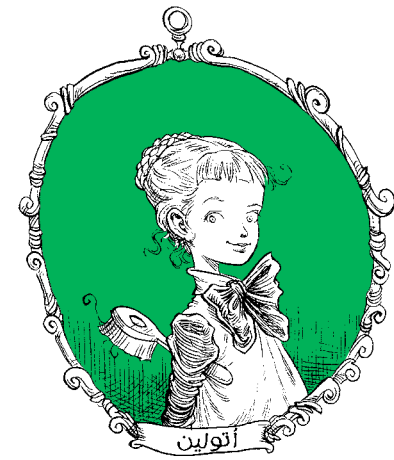




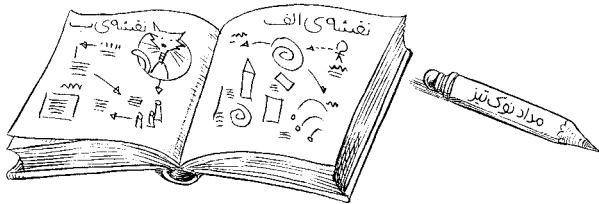
# فصل اول

آتولین توی طبقه‌ی بیست و چهارم ساختمان فلفل ساب زندگی می‌کرد. ساختمانشان در خیابان سوم بود؛ خیابانی که یک سرش، سالن نمایش گره‌ای کرابرمن و سر دیگرش، پارک پتیگرو و گیاهان زینتی بود. کفش فروشی خیابان سوم هم وسط این دو بود.





آتولین و آقای مانرو در حل معماهای پیچیده و کشیدن نقشه‌های هوشمندانه حسابی ماهر بودند، یک تیم حرفه‌ای به حساب می‌آمدند...



درست مثل وقتی که گربه‌ی زرد یا همان دزدِ بدنامِ جواهرات را دستگیر کردند...



درباره‌ی اشیاء  
نوی کتاب آتولین  
و مدرسه‌ی ایس  
اسمیت می‌توانی  
بخوانی.



داستانش  
را نوی کتاب  
آتولین و گربه‌ی  
زرد می‌توانی  
بخوانی.

... و یا وقتی که با شیخ اسب هم‌رستاین روبه‌رو شدند.



آتولین با آقای مانروی کوچولو و پشمالو که باران و شانه‌کردن موهایش را دوست نداشت، توی آپارتمان شماره‌ی ۲۴۳ زندگی می‌کرد.

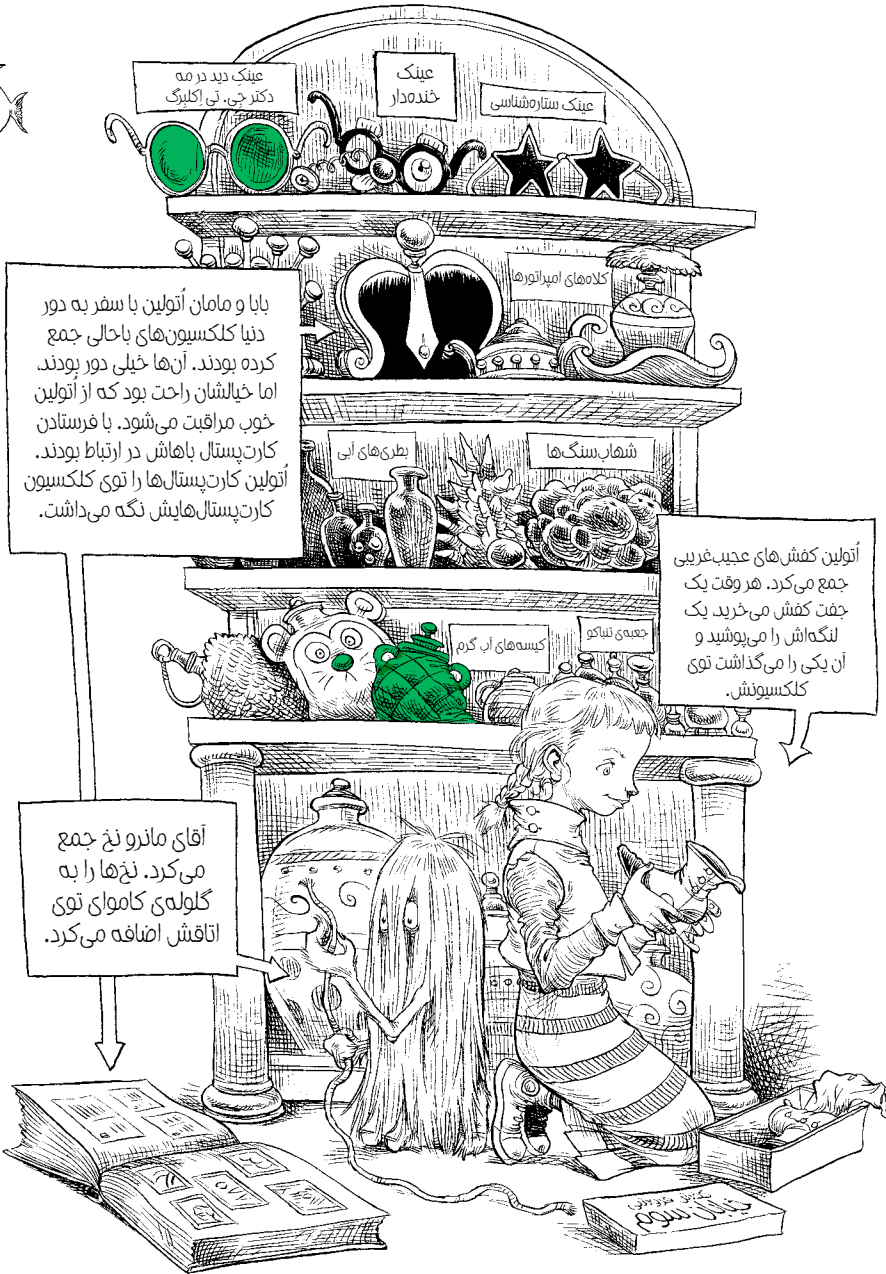


آتولین استاد تغییر قیافه است  
و دیپلم آکادمی تغییر قیافه‌ی  
تو-کی-هستی دارد.

آقای مانرو، بابا و مامان  
آتولین را در یکی از  
سرزمین‌های باتلاقی نروژ  
دید و برای زندگی باهاشان  
به «شهر بزرگ» آمد.

این دفترچه‌ی  
آتولین است.  
چیزهایی را  
که می‌بیند  
و نقشه‌های  
دیشش را  
نوی این دفتر  
می‌نویسد.

خلاصه آقای مانرو و اتولین هرکاری را با هم انجام می دادند.



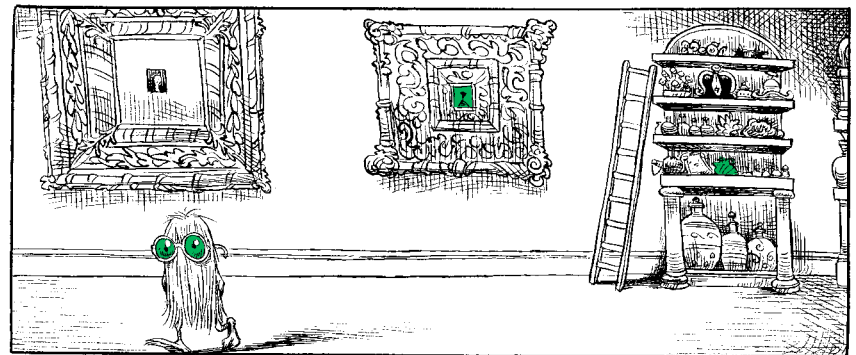
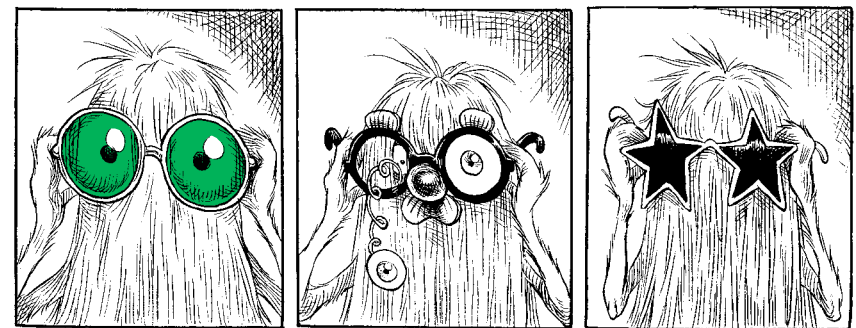
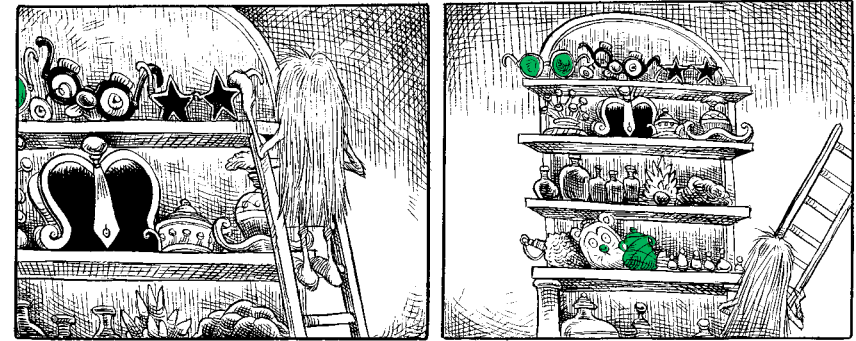
بابا و مامان اتولین با سفر به دور دنیا کلکسیون های باحالی جمع کرده بودند. آن ها خیلی دور بودند. اما خیالشان راحت بود که از اتولین خوب مراقبت می شود. با فرستادن کارت پستال باهاش در ارتباط بودند. اتولین کارت پستال ها را توی کلکسیون کارت پستال هایش نگه می داشت.

اتولین کفش های عجیب غریبی جمع می کرد. هر وقت یک جفت کفش می خرید یک لنگه اش را می پوشید و آن یکی را می گذاشت توی کلکسیونش.

آقای مانرو نخ جمع می کرد. نخ ها را به گلوله های کاموای توی اتاقش اضافه می کرد.

کتابخانه خانم مانرو

اوایل تعطیلات مدرسه، یک روز صبح...

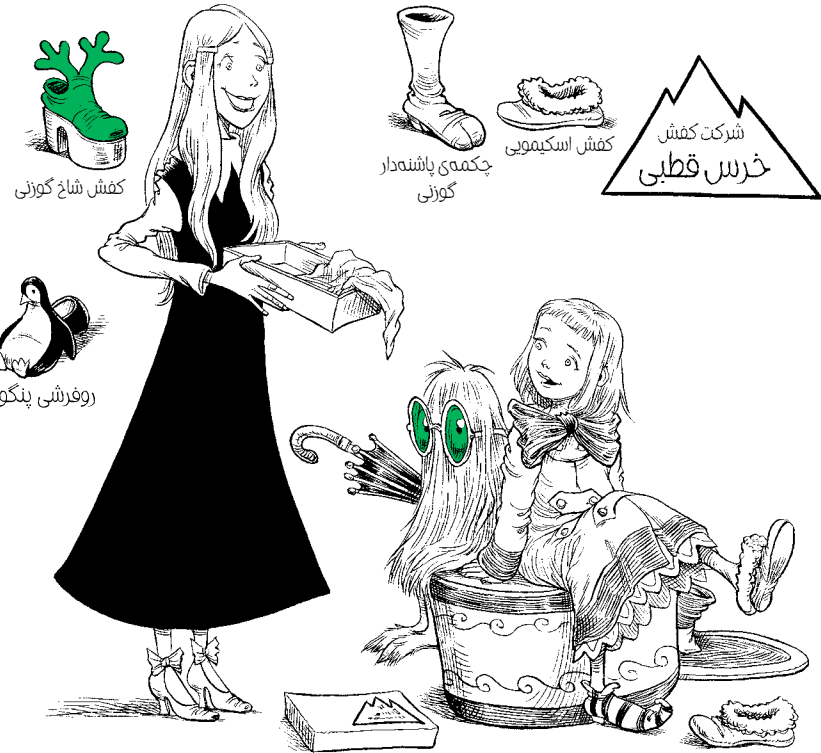


بعد از ظهر آن روز اتولین و آقای مانرو توی خیابان سوم قدم می‌زدند که تابلوی بزرگی نظر آقای مانرو را جلب کرد. ایستاد و آن را نشان داد. اتولین که فکرش جای دیگری بود، گفت: «حالا نه، آقای مانرو. داریم می‌ریم تعطیلات و باید اول برای خودم چند تا کفش بخرم.»





ویوین، فروشنده‌ی کفش فروشی خیابان سوم، گفت: «سلام اُتولین! برای سایز پای تو، یک مدل اسکیمویی، یک چکمه‌ی پاشنه‌دار گوزنی و یک کفش جالب شاخ گوزنی داریم.»  
 اُتولین گفت: «اون‌ها رو می‌خوام، برای تعطیلات هر چندتا کفش داشته باشی کمه، ممکنه همه‌شون رو توی جعبه بگذاری و با یک عالمه نخ بیچی شون؟»



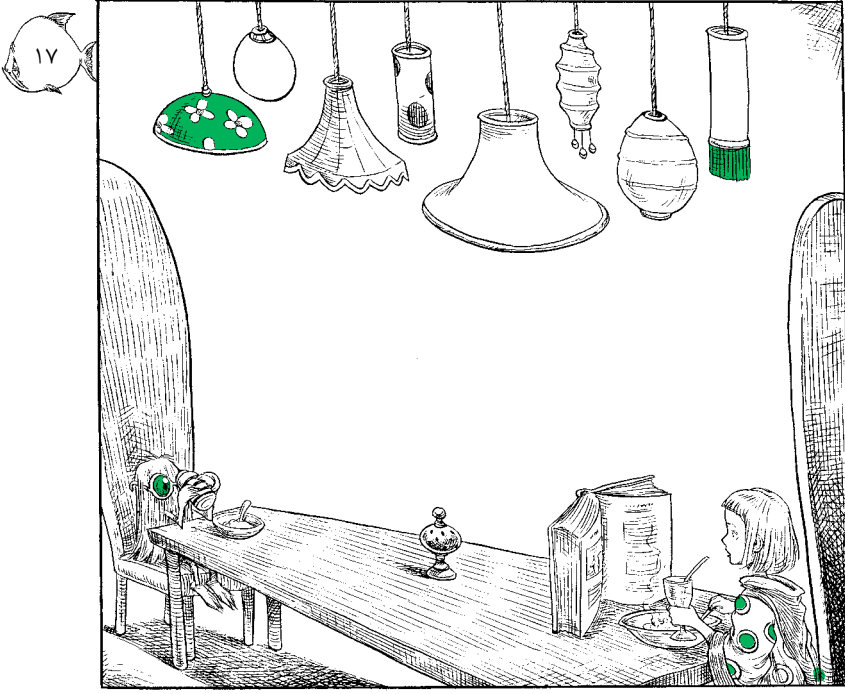
کفش شاخ گوزنی

چکمه‌ی پاشنه‌دار گوزنی

کفش اسکیمویی گوزنی

روفرشی پنگوئنی

شرکت کفش  
خرس قطبی



اُتولین و آقای مانرو آن شب نشستند سر میز شام. اُتولین ماکارونی با پنیر و شربت به‌لیمو، محصول تازه‌ای از شرکت غذای خانگی خورد.  
 شام آقای مانرو هم یک کاسه فرنی و یک لیوان شکلات داغ بود که همیشه می‌خورد.

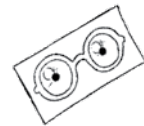


این‌ها کارت‌ویزیت‌های آدم‌های زیادی است که مراقب اُتولین هستند.

آقای مانرو تازه می‌خواست یک قُلپ از شکلات داغش را بخورد که...



... چیز خیلی عجیبی دید.  
دوید آن طرف میز پیش اُتولین.



اُتولین که حواسش جای دیگری بود، گفت: «شلوغش نکن آقای مانرو.» اُتولین برای چندمین بار داشت کتاب محبوبش، سوت وحش<sup>۱</sup>؛ داستان‌هایی از سفرهای حیوانات، نوشته‌ی ثر تُرنسین را می‌خواند تا برای سفر در تعطیلات ایده‌ای بگیرد، تازه رسیده بود به راهنمای رفتار با لاماها که باید با آن‌ها مؤدب بود.



۱. نویسنده با اسم کتاب جک لندن، آوای وحش، بازی کرده است.

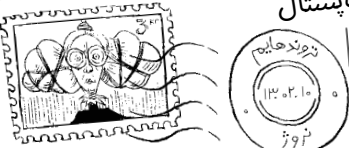


صبح روز بعد اُتولین داشت کارت پستالی را که تازه روی پادری دیده بود می خواند که مکس روزنامه رسان، روزنامه‌ی شهر بزرگ را برای آپارتمان شماره‌ی ۲۴۳ آورد. مکس پرسید: «تعطیلات جای خوبی می رین؟» اُتولین گفت: «تصمیم نگرفته‌ام.» شروع کرد به خواندن روزنامه و گفت: «هنوز.»

این همان کارت پستال است:



کارت پستال



اُتولین خیلی عزیزم  
من و بابا دنبال ردیای یک ترول می گردیم.  
بابا فکری کن در ردیای یک «ترول خلی پاکنده»  
رایبدا کرده اما بعرض معلوم شه ردیای یک  
گوزن در حال رقص بورد.  
عاشقتم  
مامان  
پ.ن: تو و آقای مانو بهتر است  
برای تعطیلات بروید جایی برایت  
یک بسته می فرستیم.

خانم اُبراون،

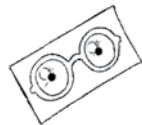
آپارتمان ۲۴۳،

اسختمان فلفل‌سب،

خیابان سوم،

شهر بزرگ ۳۰۰

۱. ترول‌ها موجودات افسانه‌ای مناطق اسکاندیناوی هستند که در غارها و کوهستان‌های دورافتاده زندگی می‌کنند.



# عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!

هوپا، ناشر کتاب‌های خوردنی



نشر هوپا همگام با ناشران بین‌المللی، از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کرم استفاده می‌کند؛ زیرا: ■ این کاغذها نور را کمتر منعکس می‌کند و در نتیجه، چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود؛ ■ این کاغذها سبک‌تر از کاغذهای دیگر است و جابه‌جایی کتاب‌های تهیه‌شده با آن، آسان‌تر است؛ ■ و مهم‌تر از همه اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

..... به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر.....



اینستاگرام هوپا

hoopa\_publication



کانال تلگرام هوپا

<https://t.me/hoopabooks>



سایت هوپا

[www.hoopa.ir](http://www.hoopa.ir)



باشگاه هوپایی‌ها

<http://t.me/hoopaclub>

